The University of Tehran Press

Public Law Studies Quarterly

Homepage: http://jplsq.ut.ac.ir

Online ISSN: 2423-8139

Volume: 56, **Issue:** 1
Spring 2026

Developments and Innovations of the Administrative Dispute Resolution System in the United Nations

Amin Valizadeh[1] | **Mehdi Hatami**[2]✉ | **Farid Azadbakht**[3]

1. PhD Student in Public International Law, Department of International and Public Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Email: amin.valizadeh85@yahoo.com
2. Corresponding Author; Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: hatamilaw@uok.ac.ir
3. Assistant Prof., Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. Email: f.azadbakht@iau.ac.ir

Article Info

Article Type:
Research Article

Pages: 279-306

Received:
2024/12/23
Received in Revised form:
2025/06/01
Accepted:
2025/08/04
Published online:
2026/03/21

Keywords:
Administrative dispute resolution, United Nations Dispute Tribunal, United Nations Appeals Tribunal.

Abstract

In the League of Nations, an institution called the Administrative Tribunal was established to resolve disputes between staff and the organization. However, this tribunal was not immediately replicated with the creation of the United Nations. In the UN system, after extensive discussions in 1949, the United Nations Administrative Tribunal was created based on a resolution by the General Assembly to address disputes between staff and the organization. However, the Tribunal was unable to meet the expectations and administrative needs of employees, which were the root causes of these disputes. Ultimately, the General Assembly established the United Nations Dispute Tribunal and the Appeals Tribunal through resolution 253/63 in 2008, replacing the previous Administrative Tribunal. The new United Nations administrative justice system has been developed within the framework of organizational structural reform. This article examines the evolution of the administrative dispute resolution structure within the United Nations system from the onset of reforms to the present day and highlights innovations in the internal justice system that have emerged following these reforms.

How To Cite	Valizadeh, Amin; Hatami, Mehdi; Azadbakht, Farid (2026). Developments and Innovations of the Administrative Dispute Resolution System in the United Nations. *Public Law Studies Quarterly*, 56 (1), 279-306. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.386576.3645
DOI	10.22059/jplsq.2025.386576.3645
Publisher	The University of Tehran Press.

CC BY NC

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

Homepage: http://jplsq.ut.ac.ir

انتشارات دانشگاه تهران

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۶، شماره: ۱

بهار ۱۴۰۵

تحولات و نوآوری‌های نظام حل‌وفصل اختلافات اداری در سازمان ملل متحد

امین ولی‌زاده[۱] | مهدی حاتمی[۲]✉ | فرید آزادبخت[۳]

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق بین‌الملل و عمومی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: amin.valizadeh85@yahoo.com

۲. نویسندهٔ مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق، دانشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: hatamilaw@uok.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: f.azadbakht@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷۹-۳۰۶

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۱۰/۰۳

تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۵/۱۳

تاریخ انتشار برخط:
۱۴۰۵/۰۱/۰۱

کلیدواژه‌ها:
حل‌وفصل اختلافات اداری، دادگاه حل اختلاف ملل متحد، دادگاه تجدیدنظر ملل متحد، سازمان ملل متحد.

چکیده

هر سازمانی برای نیل به اهداف خود نیاز به کارکنان دارد و کارکنان تا زمانی‌که با سازمان دچار اختلاف نشده باشند همواره در مسیر اهداف سازمان قدم برمی‌دارند. در نظام جامعهٔ ملل برای حل‌وفصل اختلافات کارکنان با سازمان، نهادی به‌نام دادگاه اداری جامعه ملل ایجاد شده بود، اما در سازمان ملل متحد این نهاد با وجود دانستن ارزش آن در همان بدو تأسیس ایجاد نشد. در نظام ملل متحد برای حل‌وفصل اختلاف کارکنان و سازمان در ۱۹۴۹ نهادی با نام دادگاه اداری سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامهٔ مجمع عمومی ایجاد شد. با وجود این، دادگاه نتوانست انتظارات و نیازهای اداری کارمندان را که سبب اختلاف می‌شد برآورده کند. مجمع عمومی در قطعنامهٔ ۶۳/۲۵۳ سال ۲۰۰۸ دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر ملل متحد را تأسیس و جایگزین آن کرد. دادگستری اداری جدید ملل متحد در راستا و در چارچوب اصلاح ساختار سازمان شکل گرفته است. در این مقاله سیر تکامل ساختار حل‌وفصل اختلافات اداری در نظام ملل متحد تا امروز بررسی شده و از نوآوری‌های نظام دادگستری داخلی پس از اصلاحات بحث می‌شود.

استناد

ولی‌زاده، امین؛ حاتمی، مهدی؛ آزادبخت، فرید (۱۴۰۵). تحولات و نوآوری‌های نظام حل‌وفصل اختلافات اداری در سازمان ملل متحد. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۶ (۱)، ۲۷۹- ۳۰۶.
DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2025.386576.3645

DOI 10.22059/jplsq.2025.386576.3645

ناشر مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

CC BY NC

۱. مقدمه

سازمان ملل متحد سازمانی است که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، گسترش روابط دوستانه میان اعضا و دستیابی به همکاری و هماهنگی بین‌المللی در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد و از هر نظر بزرگ‌ترین و قدرتمندترین سازمان بین‌المللی در جهان است. سازمان برای نیل به اهداف عالی خود دارای تعداد بی‌شماری کارمند است که حقوق این کارمندان باید رعایت شود و چنانچه حقوق آنها نقض شود، از یک طرف مصونیت سازمان در برابر نهادهای قضایی دولت محل استقرار مانع رسیدگی توسط نهاد قضایی محلی می‌شود و از طرف دیگر رسیدگی قضایی به هر موضوع حقوقی جزو حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. از این‌رو لازم است در داخل سازمان ملل متحد یک نهاد رسیدگی قضایی برای اجرای هرچه بهتر موازین حقوق اداری کارمندان وجود داشته باشد. سازمان برای حل اختلافات اداری قبل از رسیدگی قضایی نظام غیررسمی در اختیار دارد، با این تفاوت که نتیجهٔ اقدامات مرحله اول برای طرفین الزام‌آور نیست، اما نتیجهٔ مرحلهٔ رسمی الزامی است (Report of JIU, 2023, Vol.2: 11).

نزدیک به هشتاد سال از تأسیس سازمان ملل متحد می‌گذرد و امور سازمان از طریق نهادها و کارکنان آنها عملی می‌شود. واقعیت آن است که نمی‌توان برای هر موضوعی مقرره‌ای از قبل تدوین کرد و حدوث اختلاف نه احتمالی، بلکه حتمی است، فکر ایجاد نظامی قضایی و خاص برای رسیدگی به اختلافات اداری کارکنان و سازمان از ۱۹۴۶ وجود داشت که در ۱۹۴۹ دادگاه اداری ملل متحد تأسیس شد، این نهاد قادر به برآورده کردن همهٔ انتظارات نبود و در ۲۰۰۸ حذف و دو دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر سازمان ملل متحد برای حل‌وفصل تمام اختلافات اداری سازمان جایگزین شد، که در مدت کمتر از دو دهه توانسته بسیاری از ضروریات نظام حل اختلاف را برای کارکنان برآورده کند و در این مدت اصلاحیه‌هایی نیز بر آن وارد شده است.

کارمندان سازمان ملل متحد حسب قرارداد و یا درخواست سازمان به انجام وظیفه در راستای منشور ملل متحد به‌صورت موقت یا دائم جذب می‌شوند و به این وسیله پیوند حقوقی و اداری آنها با سازمان شکل می‌گیرد. احتمال نقض حقوق کارمندان و ضایع شدن حقوق آنها به‌همراه مصونیت سازمان در برابر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی سبب لزوم ایجاد یک نظام عدالت قضایی در امور اداری در سازمان ملل متحد شده است. علاوه بر این اصل پاسخگویی به یاری دادگاه اداری سازمان می‌آید و به دادگاه اجازه می‌دهد که ارکان اداری سازمان را در مقابل اقدامات و تصمیماتشان مسئول و موظف به پاسخگویی بداند و با حصول همهٔ شرایط قانونی اعمال صلاحیت کند و تصمیم صادرشده از آنان را ابطال و یا اصلاح کند، البته پاسخگویی باید شفاف و با رعایت حاکمیت قانون[1] باشد (بیتام، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۶).

1. Rule of Law

از آنجا که سازمان ملل متحد در روابط بین‌المللی شخصیت حقوقی بین‌المللی جدا از دولت‌های عضو دارد، باید به‌دنبال راهکارهایی برای جلوگیری از خروج (موضوع اختلاف با کارمند بین‌المللی شاغل در مجموعهٔ خود) کارمندان از مجموعه سازمان باشد. سازمان یک دولت یا یک ابر دولت نیست (بیگ‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۲۰)، که برای حل‌وفصل اختلافات اداری کارمندان و نظام اداری دارای مجموعهٔ قضایی خاص باشد و از طرفی دیگر، اگر سازمان ملل فاقد شخصیت حقوقی بین‌المللی باشد، قادر نخواهد بود به اهداف عالیه مندرج در منشور جامهٔ عمل بپوشاند. به‌عبارتی اساساً لازمه انتساب مسئولیت بین‌المللی این است که شخصیت حقوقی بین‌المللی وجود داشته باشد. حقوق و تکالیف هر شخص حقوقی بین‌المللی هم باید از نظام حقوق بین‌الملل منتج شود و نمی‌توان مسئولیت را بر اساس حقوق داخلی توجیه کرد (Bedjaoui, 1991: 25).

مهم‌ترین و نهادی‌ترین اصل در حوزهٔ حقوق اداری سازمان‌های بین‌المللی همانا اصل استقلال کارکنان سازمان در برابر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دیگر است. این اصل در بند ۱ مادهٔ ۱۰۰ منشور ملل متحد گنجانده شده است و بر اساس آن هیچ دولتی حق اعمال نفوذ نسبت به کارمندان ملل متحد را ندارد، چراکه اعمال کارمندان واجد جنبه بین‌المللی است و دولت‌های عضو مکلف به احترام به این اصل هستند (بند ۲ مادهٔ ۱۰۰ منشور ملل متحد).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامهٔ شمارهٔ ۷۶ به تاریخ اول فوریهٔ ۱۹۴۶ اعلام کرد کارمند سازمان کسی است که دارای رابطه استخدامی با سازمان ملل متحد باشد (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۹۴۹ در تعریف گسترده‌تر، مفهوم کارمند را به این شکل اعلام می‌دارد: «کسی که خواه کارمند حقوق‌بگیر یا غیر حقوق‌بگیر و خواه به‌صورت دائم استخدام شده باشد یا غیر دائم یا به‌وسیلهٔ یک رکن سازمان به مسئولیتی گماشته شده باشد یا برای کمک به اجرای یکی از وظایف سازمان به استخدام شده باشد و به‌طور خلاصه هر فردی که در جریان امور سازمان فعالیتی انجام دهد» (کیانی، ۱۳۹۸: ۶۱).

مجموعهٔ اداری برای حل اختلافات اداری مابین کارکنان و سازمان اندکی پس از تشکیل سازمان راهکارهایی را برای این موضوع تدوین کرده است، و این راهکار با توجه به نیازهای ایجادی پیوسته در حال تحول و نوآوری‌هاست، در این مقاله علاوه بر ذکر قسمتی از تحولات و نوآوری‌ها، تعدادی از این موارد نیز تشریح می‌شود. فرضیهٔ این تحقیق این است که نظام داخلی حل اختلافات اداری در سازمان ملل متحد تغییرات اساسی را متوجه شده و با وصف این اصلاح و تغییرات باز هم همه‌ساله نیاز به نوآوری مشاهده می‌شود.

۲. تحولات نظام حل‌وفصل اختلافات اداری در سازمان ملل متحد

با انحلال جامعهٔ ملل، فعالیت دادگاه اداری جامعه که از سال ۱۹۲۷ آغاز به کار کرده بود متوقف شد، اما در پی بحث‌های جدی در نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل، کمیتهٔ پنجم آن و موافقت با تأسیس دادگاه اداری برای قضاوت در اختلافات اداری با استفاده از پیشینهٔ ارزشمند دادگاه اداری جامعهٔ ملل (اساسنامه و آرا دادگاه) در نهایت در ۱۹۴۹ نهادی به نام دادگاه اداری سازمان ملل متحد تأسیس شد.

سازمان‌های بین‌المللی به این دلیل که از مصونیت بین‌المللی برخوردارند نیاز به ایجاد سازوکارهایی برای حل‌وفصل اختلافات خود با کارکنان به‌صورت داخلی دارند، چراکه وجود روش حل اختلاف داخلی یک الزام برای سازمان بین‌المللی است. برای مثال دادگاه اروپایی حقوق بشر هرگز نپذیرفته که مصونیت سازمان بین‌المللی نقض شود (Gulati & webb, 2023: 413). حقوقدانان مصونیت را با آزادی و استثناء از الزامات قانونی، مجازات‌ها و قدرت دیگران مترادف دانسته‌اند (Curzon, 2002: 208). به‌منظور تفسیر مصونیت دولت‌ها می‌توان بر اساس نظریهٔ مصلحت خدمت[1] از بینکر شوک هلندی مندرج در عهدنامهٔ حقوق دیپلماتیک ۱۹۶۱ وین[2] به این مصونیت استناد کرد، ولی آیا می‌توان مصونیت سازمان‌های بین‌المللی را بر چنین دیدگاهی پایه‌گذاری کرد؟ به‌یقین پاسخ منفی است.[3]

فلسفهٔ وجودی مصونیت سازمان‌های بین‌المللی ضرورت کارکردی[4] است، به این معنا که سازمان‌های بین‌المللی از هر آنچه برای انجام وظایف و تحقق اهدافشان لازم و ضروری است برخوردارند. به بیان دیگر، سازمان‌های بین‌المللی برای اجرای اهداف و وظایف خود به مصونیت نیازمندند (Amerasinghe, 2009: 316). مصونیت سازمان‌های بین‌المللی محدود به ضرورت‌های شغلی خود سازمان‌ها می‌شود، با این حال، یک رویه و تفسیر نوظهور مفهوم مصونیت سازمان ملل را بر اساس معیارهای خاص از مطلق به نسبی تغییر داده است (Reinisch, 2011: 20).

از دیدگاه حقوقدانان در چارچوب سازمانی مهم‌ترین وظیفهٔ یک رکن قضایی، اعمال نظارت بر مشروعیت تصمیمات سازمان است (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). دادگاه اداری جامعهٔ ملل در مدت حدود دو دهه فعالیت خود که با وقفه‌هایی نیز همراه بود، به ۳۷ پرونده رسیدگی کرد[5] و میراث ارزشمندی را در

---

1. Interest of Function Theory
2. Vienna Convention on Diplomatic Relations 1961 until 2021.
۳. مبنای مصونیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی و کارکنان آن با مصونیت بین‌المللی دولت‌ها متفاوت است. مصونیت کارکنان در مادهٔ ۱۰۵ منشور ملل متحد به ظرافت و صراحت تبیین شده است. برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: ولی‌زاده و نجومی، ۱۳۹۴: ۴۷۰ به بعد.
4. Functional Necessity
۵. برای بررسی و مطالعهٔ آرای دادگاه اداری جامعهٔ ملل ر.ک: www.ILO.org/dyn/triblex/triblexmain.showList که در آن کل ۳۷ دادنامهٔ صادرشده از ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۶ برای ملاحظه و تحقیق موجود است.

خصوص حل‌وفصل اختلافات اداری و حقوق بین‌الملل اداری[1] به یادگار گذاشت (Amerasinghe, 1994: 49)، که در ۱۹۴۶ به‌عنوان دادگاهی برای حل‌وفصل اختلافات اداری میان کارکنان و سازمان بین‌المللی کار به این سازمان منتقل شد و بعدها اصلاحاتی در اساسنامهٔ دادگاه صورت گرفت، که از جمله می‌توان به گسترش صلاحیت و رسیدگی به اختلافات اداری داخلی برخی از سازمان‌های بین‌المللی تخصصی در مجموعهٔ نظام ملل متحد با قبول شرایطی خاص نام برد.

در همان سال‌های ابتدایی تأسیس ملل متحد، کمیسیون مقدماتی مربوط به سازمان ملل متحد پیشنهاد تأسیس یک دادگاه اداری را مطرح کرد و در بخش ۲۹ عهدنامه مزایا و مصونیت‌های ملل متحد ۱۹۴۶[2] بر این امر تأکید شد. مجمع عمومی در فوریه ۱۹۴۶ به دبیر کل اجازه داد کمیته حقوقی را مأمور تدوین پیش‌نویس اساسنامه یک دادگاه اداری کند و در جلسات دوم و سوم کمیتهٔ حقوقی ملل متحد مورد توجه قرار گرفت (Amerasinghe, 1994: 489)، اما تا آن هنگام (۱۹۴۹) حتی پیش‌نویس اساسنامه مورد تصویب کمیته قرار نگرفته بود. در همان سال دبیر کل ملل متحد (تریگوه‌لی)[3] گزارشی از تأسیس دادگاه اداری سازمان ارائه داد و پیش‌نویس اساسنامه را که هنوز تکمیل نشده بود و توسط کمیتهٔ حقوقی تصویب نشده بود، در مجمع عمومی ارائه داد و بدین ترتیب کار بررسی پیش‌نویس شروع شد. پیش‌نویس در ۸ نوامبر ۱۹۴۹ تأیید و در مجمع عمومی مطرح شد و مجمع با تصویب قطعنامهٔ ۳۵۱ اساسنامهٔ دادگاه اداری ملل متحد[4] را تصویب کرد.[5]

در ۱۹۵۳ قطعنامه‌ای به تصویب مجمع عمومی ملل رسید که بر اساس درخواست دبیر کل سازمان اقدام به درخواست نظریهٔ مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری شد، که مشخص شود که این پرسش کلی و انتزاعی را بررسی کند که آیا مجمع عمومی از نظر مقررات حق دارد از اجرای حکم غرامت صادره توسط دادگاه اداری، که به‌درستی تشکیل شده و در محدودهٔ صلاحیت قانونی خود عمل می‌کند، خودداری کند یا خیر و اگر پاسخ مثبت است، بر اساس چه دلایلی می‌توان چنین حقی را در عدم پرداخت اعمال کرد؟ (Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations

---

1. International Administrative Law
2. The Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations is a Convention passed by the United Nations General Assembly on 13 February 1946 in New York, This convention has been ratified by 162 states.
3. Trygve Lie

۴. اساسنامه در ۸ نوامبر ۱۹۴۹ تصویب شد و در ۹ دسامبر ۱۹۵۳، ۸ نوامبر ۱۹۵۵، ۱۱ دسامبر ۱۹۵۵، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۰، و در نهایت در ۱۳ آپریل ۲۰۰۵ قسمت‌هایی از آن اصلاح شد. به نقل ابتدای اساسنامهٔ اصلاح‌شده در سال ۲۰۰۵ در نشانی اینترنتی: https://untreaty.un.org/unat/statute.htm

۵. ر.ک: بحث‌های مندرج در سایت دادگاه اداری ملل متحد و Resolution 351, November 24, 1949

Administrative Tribunal, Advisory Opinion of 13 July 1954: 4). دیوان این درخواست را به دولت‌ها و سازمان بین‌المللی کار ارائه داد تا چنانچه مطالبی دارند در پاسخ ارسال کنند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۳ ژولای ۱۹۵۴ خود بیان کرد که دادگاه اداری یک نهاد مستقل قضایی است[1] و از آنجا که حتی می‌تواند تصمیمات دبیر کل (که بالاترین مقام اداری سازمان است) را نقض کند، پس الزاماً نهادی قضایی است و صلاحیتی که دارد، هیچ‌گاه به یک نهاد مشورتی و غیرقضایی داده نمی‌شود که بتوان اکنون ماهیت آرای دادگاه را غیرقضایی، مشورتی و در نهایت غیرالزام‌آور دانست (ضیایی بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۸ و ۸۸)، بنابراین هر دو طرف دعوا ملزم به اجرای رأی دادگاه اداری هستند و هیچ مقررهٔ صریحی در مقررات هیچ نهادی وجود ندارد که بتواند از اجرای رأی خودداری کند، بنابراین آرای دادگاه توسط هیچ نهادی نمی‌تواند مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد، اما مجمع می‌تواند اساسنامهٔ دادگاه اداری را به‌نحوی دیگر اصلاح کند و مجمع این اختیار را دارد، که اختیارات دبیر کل را در مسائل کارمندان محدود کرده یا نهادی برای کنترل خاص بر تصمیمات سازمان در حق کارمندان ایجاد کند (Summary of the Advisory Opinion of 13 July 1954: 1,2 and 3) و از آنجا که پاسخ سؤال اول منفی است، سؤال دوم پاسخی به آن داده نمی‌شود (Summary of the Advisory Opinion of 13 July 1954: 18).

عدالت داخلی یکی از جنبه‌های اصلی اثربخشی سازمانی است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی ۱۳ ژوئیهٔ ۱۹۵۴ اعلام کرد که تأسیس یک دادگاه برای تضمین عملکرد کارامد دبیرخانه و تحقق ملاحظات مهم در تأمین بالاترین استانداردهای کارایی، شایستگی و صداقت ضروری است و مجمع عمومی هنگام تأسیس نظام جدید قضایی داخلی در سال ۲۰۰۹ از این دیدگاه فاصله نگرفت. این مجمع تشخیص داد که یک سیستم شفاف، بی‌طرف و مؤثر اجرای عدالت شرط لازم برای تضمین رفتار منصفانه و عادلانه با کارکنان سازمان ملل متحد است و برای موفقیت اصلاحات منابع انسانی در سازمان مهم است. در واقع، یک نظام قضایی داخلی کارامد، از جمله به حفظ اعتبار و کارایی لازم برای سازمان‌های بین‌المللی برای انجام مؤثر مأموریت‌هایشان کمک می‌کند (JIU/REP, 2023, Vol.2: 2).

در سال ۱۹۵۵ بر اساس قطعنامهٔ مجمع عمومی تغییراتی در دادگاه اداری صورت گرفت. بر اساس این قطعنامه[2] مقرر شد به‌رغم قطعیت و غیرقابل تجدیدنظر بودن آرای دادگاه اداری، طی شرایطی در دیوان بین‌المللی دادگستری قابلیت رسیدگی مجدد وجود داشته باشد. هرچند این قطعنامه فراتر از

---

۱. این نهاد بر اساس اختیارات مجمع عمومی سازمان ملل متحد در راستای بند ۲ مادهٔ ۶ و همچنین مادهٔ ۲۲ منشور ملل توسط مجمع عمومی ایجاد شده است.

2. Procedure for Review of United Nations Administrative Tribunal Judgements: Amendments to the Statute of the Administrative Tribunal, 8 November 1955

اساسنامهٔ دادگاه اداری ملل متحد بود، ولی رکن دارای صلاحیت درخواست نظریهٔ مشورتی و همان مرجع تصویب‌کنندهٔ اساسنامه اقدام به وضع این اصلاحات کرد و شخص متقاضی رسیدگی مجدد باید با تقدیم درخواستی به کمیتهٔ درخواست مجدد[1]، تجدید رسیدگی به موضوع را تقاضا کند.[2] تعدادی از نویسندگان[3] در مورد ماهیت حقوقی کمیتهٔ درخواست‌کننده ابهاماتی را بیان کرده‌اند. فرد متقاضی، دولت متبوع وی و یا سازمان از کمیته درخواست می‌کرد و کمیته در ابتدا باید بررسی می‌کرد که درخواست به شکل صحیحی ارائه شده است و آیا در صورت درخواست، امکان اینکه با یک رأی مشورتی رأی دادگاه اداری به شکل دیگری تغییر کند وجود دارد یا خیر و چنانچه از نظر کمیته این امکان وجود داشت، با اخذ نظریهٔ مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری موافقت می‌شد.

دادگاه اداری با وصف فعالیت‌های بسیار خوب، به عللی که مهم‌ترین آنها همانا قطعی بودن دادنامه‌ها بود، در سال ۲۰۰۸ منحل و دو دادگاه حل اختلاف[4] و دادگاه تجدیدنظر ملل متحد[5] تأسیس و جایگزین آن شد. پس از اصلاحات و تصویب دو اساسنامه برای هر دو دادگاه، اصلاحاتی در درون نظام قضایی اداری داخلی رخ داد. اساسنامهٔ دادگاه حل اختلاف ملل متحد در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و تاکنون اصلاحیه‌های متعددی بر اساسنامهٔ آن وارد شده است.[6] شایان ذکر است که این دادگاه‌ها در سال ۲۰۰۹ شروع به کار کردند.

در رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری[7]، به فقدان نظام دودرجه‌ای در دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار (ILOAT) اشاره و تأکید کرده است که رسیدگی دومرحله‌ای به سود طرفین دعوا و نظام قضایی است (Gallo, 2014: 2). کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های ملل متحد در خصوص حل اختلافات مقرر می‌دارد: «تمام اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای عهدنامهٔ حاضر به دیوان بین‌المللی دادگستری

---

1. Committee on Applications for Review

۲. برای مطالعهٔ بیشتر دو منبع زیر را مطالعه کنید:

A. Joanna Gomula, 1991, *The International Court of Justice and Administrative Tribunals of International Organizations,* Michigan Journal of International Law, volume 13, Issue 1

B. Resolution A/Res/957 (X)

۳. برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: حدادی و حکمتی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۱۷۶.

4. The United Nations Dispute Tribunal (UNDT)

5. The United Nations Appeals Tribunal (UNAT)

۶. که شامل اصلاحیهٔ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴، اصلاحیهٔ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۵، اصلاحیهٔ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶، اصلاحیهٔ ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸ و اصلاحیهٔ ۲۲ دسامبر ۲۰۲۳ است. اساسنامهٔ دادگاه تجدیدنظر نیز در همان تاریخ در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸ به تصویب مجمع عمومی رسید و اصلاحیه‌هایی بر اساس قطعنامه‌های ۱۴ دسامبر ۲۰۱۱، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۵، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶ توسط مجمع عمومی بر این قطعنامه نیز وارد شد.

7. Judgment No.2867 of the Administrative Tribunal of the International Labour Organization upon a Complaint Filed against the International Fund for Agricultural Development

ارجاع خواهد شد، مگر اینکه در امر خاصی طرف‌های دعوی نسبت به اتخاذ راه‌حل دیگری توافق کرده باشند». درصورتی‌که اختلافی بین سازمان ملل متحد از یک طرف و یکی از دولت‌های عضو از طرف دیگر بروز کند، نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری طبق مادهٔ ۹۶ منشور و مادهٔ ۶۵ اساسنامهٔ دیوان نسبت به مسائل حقوقی مورد اختلاف استعلام خواهد شد. رأی صادرشده از طرف دیوان از جانب طرفین دعوا به‌عنوان رأی قطعی پذیرفته خواهد شد» (بخش ۳۲ عهدنامه مزایا و مصونیت‌های سازمان‌های تخصصی ملل متحد ۱۹۴۶).

واقعیت این است که هر موضوعی که برای آن قاعده‌ای خاص و منطبق با سازوکار عادلانه طراحی می‌شود، زمانی بعد از تصویب به هر دلیلی از قابلیت استفاده بازمی‌ایستد و نیاز است پس از سپری شدن مدت زمانی، دوباره در مورد آن مقرره نظرها و راهکارهایی ارائه شود و اصلاحاتی صورت گیرد. البته تا زمانی‌که اصلاحیه‌ای ضروری و لازم تشخیص داده نشود، نباید تغییری در وضع موجود انجام گیرد. اصلاحیه‌ها نه به معنای نامناسب بودن کارکرد نهاد موردنظر، بلکه به مفهوم تحول و بهتر شدن روند رسیدگی از مجموعه فعلی و تلاش در جهت بهتر محقق شدن حق طرفین دعواست. آیین دادرسی[1] دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر ملل متحد درست پس از تصویب اساسنامه‌های آنها به تصویب مجمع عمومی رسید.[2]

دادگاه حل اختلاف متشکل از نه قاضی است، بدین صورت که سه قاضی تمام‌وقت و شش قاضی نیمه‌وقت هستند (Clause 1 Article 4 UNDT Statute). این کرسی‌ها در نیویورک، ژنو و نایروبی فعالیت دارند.[3] قضات به مدت هفت سال توسط مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب می‌شوند (Clause 4 Article 4 UNDT Statute) و چنانچه حجم پرونده‌ها به اندازهٔ کافی نباشد، رئیس دادگاه تشخیص می‌دهد که در کجا و در چه زمانی قاضی نیمه‌وقت مستقر شود و فعالیت کند. همچنین قضات می‌توانند به‌صورت دورکاری قضاوت را انجام دهند. در خصوص دادگاه تجدیدنظر باید گفت فقط در نیویورک فعالیت و دفتر دارد، که در صورت تصمیم اکثریت اعضا در دو محل نایروبی و ژنو استقرار می‌یابد

1. Rules of Procedure
2. Rules of Procedure of the United Nation Dispute Tribunal: Adopted at the First Plenary Meeting of Judges in New York. Approved by the General Assembly in resolution 64/119 of 16 December 2009 & Amended in resolution 77/260 of 30 December 2022. and Rules of Proceduere of the United Nation Appeal Tribunal January 2022 As adopted by the General Assembly in resolution 64/119 on 16 December 2009 and amended in resolution 66/107 on 9 December 2011, resolution 66/237 on 24 December 2011, resolution 67/241 on 24 December 2012, resolution 70/112 on 14 December 2015, resolution 73/276 on 22 December 2018, and resolution 76/242 on 24 December 2021.

۳. البته اساسنامهٔ دادگاه اختلاف قبل از اصلاحات ۲۰۱۸ دادگاه متشکل از سه قاضی تمام وقت و دو قاضی نیمه‌وقت بود، که بر اساس قطعنامهٔ ۷۳/۲۷۶ مورخ ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸ مجمع عمومی اساسنامهٔ دادگاه اصلاح شد و به‌صورت سه قاضی تمام وقت و شش قاضی نیمه‌وقت تغییر تشکیلات داد.

(Clause 1 Article 4 UNAT Statute) و رسیدگی می‌کند. دادگاه تجدیدنظر متشکل از هفت قاضی است که همانند دادگاه حل اختلاف توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، قضات باید دارای بالاترین درجهٔ اخلاقی و بی‌طرفی باشند (Clauses 1&3 Article 3 UNDT Statute).

متقاضیان قضاوت در دادگاه حل اختلاف وقتی تقاضای خود را برای پذیرش به گروه‌های ملی ارائه می‌دهند، باید ۱۰ سال سابقهٔ[1] قضاوت در یکی از حوزه‌های حقوق داخلی اداری (شامل حقوق کار، حقوق استخدامی و سایر) داشته باشند. متقاضیان قضاوت در دادگاه تجدیدنظر باید دارای ۱۵ سال سابقهٔ قضاوت در زمینهٔ حقوق اداری همانند متقاضیان دادگاه حل اختلاف باشند (Clause 3 Article 4 UNDT Statute and Clause 3 Article 3 UNAT Statute). دوران قضاوت هر دو دادگاه حل اختلاف و تجدیدنظر بعد از هفت سال خدمت قضایی به پایان می‌رسد و تا پنج سال پس از این هفت سال از حق انتخاب شدن برای قضاوت در همان دادگاه که قضاوت کرده‌اند یا داشتن هرگونه سمت انتصابی در سازمان ملل متحد محروم‌اند، ولی می‌توانند سایر مشاغل قضایی (برای مثال در دیوان بین‌المللی دادگستری یا دیوان بین‌المللی حقوق دریاها) را داشته باشند (Clause 4 and 6 Article 4 UNDT Statute and Clause 4 and 6 Article 3 UNAT Statute).

۳. رسیدگی شفاهی[2] و حضور طرفین دعوا در جلسه

پس از اصلاحات سال ۲۰۰۹ شفاهی و حضوری بودن رسیدگی اصل و قاعده شد. در هر دو دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر رسیدگی به‌صورت شفاهی انجام می‌شود (Clause 2 Article 10 statute UNDT Statute and Clause 2 Article 8 UNAT Statute) که در اساسنامهٔ دادگاه اداری تا قبل از اصلاحات، به‌صورت کتبی بود (Article 9 Statute 1949 and Clause 1 Article 15 Rules of ATUN 1951). برای مثال در رأی شمارهٔ ۱۲۳ دادگاه اداری که در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۸ صادر شد، متقاضی درخواست رسیدگی به‌صورت حضوری را داشت، اما دادگاه اعلام کرد این درخواست منطبق با هیچ مقرره‌ای نیست، از این‌رو این درخواست رد می‌شود (unat, 1968: 9).

در آخرین اصلاحات وارد بر دادگاه اداری، به دادگاه این اجازه داده شد که خود تصمیم بگیرد آیا رسیدگی شفاهی ضروری است یا خیر، به این معنا که با وجود آخرین اصلاحیه‌ها در اساسنامه باز اصل بر

---

۱. متأسفانه یکی از ایرادات که از ابتدای اصلاحات ۲۰۰۹ بر اساسنامه وارد شده است، همانا بحث داشتن سابقهٔ زیاد برای داوطلب شدن در قضاوت دادگاه اداری است. افراد برجسته‌ای در میان وکلا و استادان دانشگاهی‌اند که در زمینهٔ حقوق اداری تبحر زیادی دارند، اما شرط داشتن سابقهٔ قضاوت اداری را ندارند و قادر به داوطلب شدن برای سمت قضاوت در دادگاه اداری نیستند.

2. Oral Hearing

رسیدگی شفاهی نبود، بلکه اصل بر رسیدگی کتبی بود، مگر آنکه دادگاه بر اساس تصمیم خود مقرر کند بهتر آن است که رسیدگی شفاهی باشد. بنابراین از زمان تأسیس دادگاه اداری ملل متحد تا سال ۲۰۰۹ اصل بر رسیدگی کتبی و غیرشفاهی بود، اما به دادگاه این مجوز داده شد که با تصمیم اکثریت قضات خود ضرورت رسیدگی شفاهی را مقرر کند (Otis & Reiter, 2011: 412). البته مواردی که از این رویکرد در راستای تسریع رسیدگی و اجرای عدالت استفاده شد، بسیار نادر است.

پس از ثبت دادخواست در یکی از سه دفتر دادگاه، ابتدا دادخواست برای خوانده (دبیرخانهٔ سازمان ملل متحد) ارسال می‌شود و ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ به خوانده مهلت داده می‌شود که پاسخ لازم مبنی بر رد ادعای خواهان ظرف مهلت مشخص ارائه دهد. علاوه بر خوانده، مدیر دفتر دادگاه مکلف است نسخه‌ای از دادخواست را برای اشخاصی که رئیس دادگاه تشخیص می‌دهد، ارسال کند. طبق اساسنامه «رسیدگی شفاهی دادگاه حل اختلاف به‌صورت علنی برگزار می‌شود، مگر اینکه دادگاه حل اختلاف به ابتکار خود یا به درخواست هریک از طرفین تصمیم بگیرد که شرایط استثنایی ایجاب می‌کند که رسیدگی غیرعلنی باشد» (Clause 3 Article 9 Statute of the UNDT amended 2023). این رویکرد برای دادگاه تجدیدنظر نیز مقرر شده است (Clause 4 Article 8 UNAT).

علاوه بر این مدیر دفتر دادگاه باید از قبل تاریخ و ساعت رسیدگی را به طرفین دعوا ابلاغ کرده و اسامی شهود یا کارشناسان خبره را که برای رسیدگی به یک پرونده خاص لازم است نیز اعلام کند.[1] بر اساس بند ۴ همان ماده، طرفین باید در جلسه حضور داشته باشند یا از طریق تماس تلفنی، ویدیوئی یا سایر وسایل الکترونیکی در جلسه حضور یابند. در بند ۵ نیز مقرر شده که پرداخت هزینهٔ حضور طرف دعوا یا هر شخصی که به تشخیص دادگاه حضور وی برای رسیدگی الزامی دانسته شده است، بر عهدهٔ سازمان است (Article 16 from Rules of Procedure UNDT, 30 December 2022).

در رسیدگی‌های دادگاه تجدیدنظر، موضوع حضوری یا کتبی بودن رسیدگی در عمل به‌نحو دیگر است، چراکه دادگاه اصل را بر غیرشفاهی یا کتبی بودن رسیدگی قرار داده بود. دادگاه تجدیدنظر در اولین پروندهٔ تحت رسیدگی در سال ۲۰۱۰ با رد درخواست استماع شفاهی شهادت شهود، بر این موضوع که خلاف اساسنامه است، و مبتنی بر کتبی بودن رسیدگی بود، مهر تأیید گذاشت (UNAT, 2010) و در رسیدگی‌های بعدی درخواست شفاهی بودن رسیدگی به دلایلی شبیه پروندهٔ اول رد شد. همچنین تقاضای انجمن‌ها و دیگر اشخاص موسوم به دوست دادگاه[2] برای حضور در جلسه توسط دادگاه

1. Article 16 from Rules of Procedure UNDT, 30 December 2022

۲. اصطلاح دوست دادگاه (Friend of the Court or Amicus Curiae) به مفهوم فرد یا سازمان یا گروهی از افراد یا نهادهایی هستند که بدون نفع مستقیم در دعوا با استفاده از دانش خویش، نظر مشورتی و پیشنهادی دربارهٔ مسائل

تجدیدنظر رد شد (Otis and Erie, 2011: 412). در پروندهٔ ناداسان[1] دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که دادگاه حل اختلاف در رسیدگی غیرشفاهی و بدون حضور طرفین و رد درخواست حضوری شدن رسیدگی اشتباه کرده است (UNAT, 2019: 36). دادگاه در پروندهٔ بلسیتو[2] همین رویه را اتخاذ کرد و تصمیم دادگاه حل اختلاف مبنی بر عدم تشکیل جلسه حضوری را نقض مقررات دانست و پرونده را برای رسیدگی مجدد با حضور طرفین به دادگاه حل اختلاف عودت داد (UNAT, 2020: 49). با وجود این، اغلب رسیدگی‌ها در دادگاه تجدیدنظر ملل متحد غیرحضوری و به‌صورت کتبی است. این رویه از سوی اتحادیه‌های کارکنان مورد اعتراض قرار گرفته و از نظر آنها این موضوع حقوق بشر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (Gulati, 2011: 507).

در پروندهٔ آقای موسی[3] علیه دبیرخانهٔ ملل متحد که در سال ۲۰۲۲ در دادگاه تجدیدنظر رسیدگی قرار شد، دادگاه تصمیم می‌گیرد که حضور شخصیِ شاهد یا کارشناس در رسیدگی لازم نیست (UNAT, 2024). دادگاه تجدیدنظر در موارد دیگر از جمله در پروندهٔ Nielsen در سال ۲۰۱۶ نیز مانند سال اول رسیدگی‌ها، درخواست رسیدگی شفاهی و حضوری را رد کرده است (UNAT, 2016). واقعیت آن است که قضات رسیدگی‌کننده به پرونده در دادگاه تجدیدنظر تصمیم می‌گیرند آیا حضور طرفین یا شخص ثالث در جلسهٔ رسیدگی لازم است یا خیر (Article 8 from UNAT Statute). از این‌رو هرچند انتقاداتی بر نحوهٔ اجرای این اختیار وارد است، ولی در اساسنامه به دادگاه اعطا شده و نمی‌توان به‌سبب آنکه منطبق با خواستهٔ تجدیدنظرخواه یا اساساً خواهان نیست، بر آن ایرادی وارد کرد.

با وجود این رسیدگی شفاهی دادگاه تجدیدنظر به‌صورت علنی برگزار می‌شود، مگر اینکه خود دادگاه یا به درخواست هریک از طرفین دعوا تصمیم بگیرد که شرایط استثنایی ایجاب می‌کند رسیدگی به‌صورت غیرحضوری باشد (Article 8 from UNAT Statute). علاوه بر این دادگاه شیوهٔ مناسب یا هزینهٔ معقول برای برآورده کردن شرایط حضور شخص موردنظر را تعیین می‌کند و پرداخت هزینهٔ مربوط را انجام می‌دهد و طرفین هم می‌توانند شاهد و کارشناسان را برای شهادت دعوت کنند. طرف مقابل نیز می‌تواند از شهود و کارشناسان بازجویی کند(Article 17 from Rules of Procedure UNDT 2022 para 1 and 6).

با وجود پرونده‌های بسیاری که منکر رسیدگی شفاهی و حضور طرفین دعوا در جلسهٔ رسیدگی است،

حکمی یا موضوعی دعوا برای آگاهی و اطلاع قاضی به‌صورت کتبی یا شفاهی به دادگاه ارائه می‌کنند، بدون اینکه یکی از طرفین دعوا یا وارد ثالث محسوب شوند؛ خواه دادگاه آنها را برای ارائهٔ نظر دعوت کرده باشد یا داوطلبانه اقدام به این کار یا اقامهٔ دعوا کره باشند (ابهری و فلاح خاریکی، ۱۳۹۷: ۲۸۹).

1. Nadasan
2. Belsito
3. Raed Khalil Mousa

نمی‌توان نافی وجود رسیدگی حضوری در جلسهٔ دادگاه شد، ولی مقتضی است که این حق با ضمانت اجرا تضمین شود، چراکه قضات اساساً نافی حقوق و مقررات نیستند، ولی در صورت تضمین این حسن را دارد که شبهات ابرازی نسبت به دادگستری داخلی سازمان ملل متحد یک بار برای همیشه برطرف شود و معترض به رأی صادره دیگر نمی‌تواند در مجامع رسمی و غیررسمی خلاف انصاف حتی یک تذکر ساده بر قضات و نظام قضایی اداری ملل متحد وارد آورد.

۴. دودرجه‌ای (مرحله‌ای) بودن رسیدگی

دومرحله‌ای بودن رسیدگی به دعوا از آنجا ناشی می‌شود که در همه حال امکان دارد قضات در رسیدگی خود اشتباهات شکلی یا ماهوی داشته باشند و رسیدن به عدالت را در پرونده با مانعی عظیم روبه‌رو سازند. این اشتباهات که در اغلب موارد بدون عمد است، افزون بر از بین بردن اعتماد به نظام قضایی، رجوع دوباره به نظام قضایی را با مشکل مواجه می‌سازد. به همین سبب رسیدگی دومرحله‌ای نه‌تنها موجب تضمین عدالت قضایی، بلکه سبب انگیزش برای طرفین و به‌ویژه زیان‌دیده و دادرسان قضایی می‌شود، زیرا قضات از یک طرف بیم آن دارند که یک دادرس که گاه سابقهٔ بیشتری هم دارد، هر آن مجدداً به قضیه رسیدگی کند و از طرف دیگر قضات را مکلف به دقت بیشتر در صدور آرای خود کند.

تجدید در لغت به معنای تازه و جدید آوردن (طهرانی، ۱۳۷۳: ۱۸۰) و تجدیدنظر[1] به معنای دوباره نظر کردن در امری یا نوشته‌ای و یا مورد بررسی مجدد قرار دادن آن است (معین، ۱۳۸۲: ۱۰۲۹). مفهوم حقوقی اصطلاح تجدیدنظر از مفهوم ادبی آن دور نیست و همان بررسی دوباره به یک موضوع رسیدگی‌شده در یک مرجع قضایی دیگر با صلاحیت شکلی و ماهوی است، که این موضوع در بند ۵ مادهٔ ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، مادهٔ ۲ پروتکل شمارهٔ ۷ عهدنامهٔ اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)[2]، قسمت ۸ بند ۱ مادهٔ ۸ عهدنامهٔ آمریکایی حقوق بشر یا کنوانسیون سنت‌خوزه (۱۹۶۹)[3]، بند «الف» مادهٔ ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۱)[4] و دیگر اسناد حقوق بشری ذکر شده و یک حق برای بشر است.

برخی تأکید کرده‌اند که رسیدگی دودرجه‌ای به دعوا از اصول ارزشمند یک دادگستری سالم و حقوق بشر است (همتی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۱۳). باید گفت عده‌ای با این رویکرد قضایی موافق و عده‌ای هم مخالف‌اند که در مجموع می‌توان نظر موافقان را به این شرح بیان کرد: دقت در رسیدگی قضایی، تضمین

1. Review
2. European Convention of Human Right
3. American Convention on Human Right
4. African Charter on Human and People Right

بی‌طرفی قضات، رعایت احتیاط، افزایش اطمینان طرفین و محکومین و انتقال تجارب. بر اساس میثاق حقوق مدنی و سیاسی «رسیدگی تجدیدنظر باید توسط مرجع عالی صورت گیرد» (بند ۵ مادهٔ ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). در مورد مرجع تجدیدنظر یا عالی تذکر این نکته دارای اهمیت است که فقط یک اصطلاح نیست، بلکه این را باید از شرایط شخصی (قضات) و شرایط موضوعی (نحوهٔ رسیدگی) فهمید، نه از عنوان و اصطلاح دادگاه تجدیدنظر.

با اینکه تجدیدنظرخواهی در دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی- ژرمنی پدیده‌ای جدید و تازه است (فضائلی، ۱۳۸۹: ۴۵۵)، حق تجدیدنظرخواهی امروزه یکی از استانداردهای مهم دادرسی شناخته‌شده است[1] که رعایت آن تضمینی برای سلامت دادرسی و اطمینان از اجرای عدالت در حل‌وفصل اختلافات است. تجدیدنظر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در دادرسی است که هیچ نظام قضایی ولو نظام قضایی داخلی سازمان‌های بین‌المللی که بعد از تأسیس سازمان بین‌المللی ایجاد شده است، از آن مستثنا نخواهند بود. قضات دادگاه‌ها با علم به اینکه تصمیمات آنها مورد تجدیدنظر و بازبینی قرار نمی‌گیرد احتمال دارد که از صلاحیت سوءاستفاده کنند.

در زمان حیات دادگاه اداری، در قطعنامهٔ ۱۹۵۵ مجمع عمومی ملل متحد[2] مقرر شد که هرچند رأی دادگاه اداری قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است، ولی طی شرایطی در دیوان بین‌المللی دادگستری قابلیت تجدید رسیدگی وجود خواهد داشت. هرچند در مادهٔ ۱۱ اصلاحی اساسنامهٔ دادگاه اداری سازمان ملل متحد در ۱۹۵۵ دوباره بر قطعی بودن آرای صادره تأکید شد، اما جواز تجدیدنظر را در موارد محدود و با تشخیص کمیته ویژه برای درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری پیش‌بینی کرد که این روش هم بر اساس قطعنامهٔ دیگری از مجمع عمومی[3] لغو شد (Reinisch & Knabr, 2008: 451) دیوان بین‌المللی دادگستری در مواردی نسبت به رسیدگی مجدد به رأی دادگاه اداری سازمان ملل متحد اقدام کرد که در این موارد به‌عنوان یک مرجع عالی اقدام می‌کرد و شخص متقاضی رسیدگی مجدد باید با تقدیم درخواست به کمیتهٔ درخواست مجدد[4] تجدید رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌کرد.[5]

۱۸ سال پس از تدوین قطعنامهٔ ۱۹۵۵ اولین درخواست نظریهٔ مشورتی از طریق مجمع عمومی

---

۱. مسئلهٔ تجدیدنظرخواهی با وصف اینکه بیش از دو قرن قدمت ندارد، بسیار بدیهی و ابتدایی به‌نظر می‌رسد، به‌نحوی که دادرسی بدون دو مرحله داشتن رسیدگی امری در تضاد با حقوق بشر فرض می‌شود.

2. Resolution A/Res/957 (X), 1955

3. Resolution A/RES/50/54, 1995

4. Committee on Applications for Review

۵. برای مطالعه بیشتر منابع زیر را مطالعه فرمایید:

A. Joanna Gomula, ,The International Court of Justice and Administrative Tribunals of International Organizations,(1991, Michigan Journal of International Law, volume 13, Issue 1), 13 January 2024

B. Resolution A/Res/957 (X)

سازمان ملل تقدیم دیوان شد. دیوان در خصوص آرای دادگاه اداری سازمان ملل تعدادی آرای مشورتی صادر کرده است[1] که در عمل به علت سخت بودن اخذ موافقت کمیتهٔ مخصوص تجدیدنظر از آرای دادگاه اداری ملل متحد، به‌ندرت استفاده می‌شد. شایان ذکر است که آرای مشورتی دیوان در این موارد الزام‌آورند[2] و هرچند در مقام رأی مشورتی صادر می‌شوند، اما سازمان ملل به اجرای این آرای مشورتی ملزم است.

فرد متقاضی، دولت متبوع وی و یا سازمان از کمیته درخواست می‌کرد و کمیته در ابتدا باید بررسی می‌کرد که آیا درخواست به شکل صحیحی ارائه شده است و آیا در صورت درخواست نظر مشورتی از دیوان امکان اینکه با یک رأی مشورتی رأی دادگاه اداری نقض شود، وجود دارد یا خیر و چنانچه از نظر کمیته این امکان وجود داشت، با اخذ نظریهٔ مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری موافقت می‌شد. عده‌ای از نویسندگان در مورد ماهیت حقوقی کمیتهٔ درخواست‌کننده ابهاماتی را بیان کرده‌اند.[3]

مرجعی که صلاحیت اخذ نظریهٔ مشورتی را دارد، محدودیتی برای خود ایجاد کرده و آن بررسی توسط کمیتهٔ بررسی درخواست‌هاست و هیچ امر جدیدی ایجاد نکرده است (حدادی و حکمتی مقدم، ١٣٩٥: ٨). اخذ نظریهٔ مشورتی و رسیدگی مجدد به موضوع توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در عمل به‌علت مشکل بودن اخذ موافقت کمیتهٔ اختصاصی (کمیتهٔ مخصوص تجدیدنظر از آرای دادگاه اداری ملل متحد) به‌ندرت استفاده شد (Lando, 2023: 65). با تصویب قطعنامه سال ١٩٩٥ که در ١٩٩۶ منتشر شد،[4] کمیته بررسی درخواست‌های تجدیدنظر منحل شد.[5] در قطعنامه، به موضوع ناکارایی دادگاه اداری سازمان ملل متحد به‌صورت ضمنی اشاره شده و در بند پایانی به اهمیت تضمین نظام عدالت داخلی عادلانه، کارامد و سریع در سازمان ملل متحد تأکید می‌شود.

در هر حال، قبل از اصلاحات دادگستری اداری سازمان ملل متحد، اصل بر این بود که احکام دادگاه‌های

---

1. A. Application for Review of Judgment No. 158 of the United Nations Administrative Tribunal 1973
B. Application for Review of Judgment No. 273 of the United Nations Administrative Tribunal 1982
C. Application for Review of Judgment No. 333 of the United Nations Administrative Tribunal 1987

٢. برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: عبدالهی، ١٣٧٩: ١۴۴.

٣. حدادی و حکمتی، ١٣٩۶: ١٧٥-١٧۶.

4. A/RES/50/54 Review of the Procedure Provided for Under Article 11 of the Statute of the ATUN

٥. همچنین تعدادی آرا از دیوان در مورد تجدیدنظر از آرای دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار صادر شده[5] که از موضوع بحث این مقاله خارج است.

A. Judgments of the Administrative Tribunal of the ILO upon Complaints Made against UNESCO 1956
B. Judgment No.2867 of the Administrative Tribunal of the International Labour Organization upon a Complaint Filed against the International Fund for Agricultural Development 2012

اداری سازمان‌های بین‌المللی قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی است[۱] و همین قطعی بودن حکم، مسئولیت سنگینی را به عهده دادگاه‌های اداری گذاشته بود (Amerasinghe, 2009: 499)، و اکنون با ارائهٔ دادخواست تجدیدنظرخواه نسبت به حکم صادره از دادگاه حل اختلاف سازمان ملل متحد قابلیت تجدیدنظر و رسیدگی دوباره در دادگاه تجدیدنظر وجود خواهد داشت (Clause 1 Article 2 Statute of the UNAT).

دیگر دادگاه‌های اداری در سازمان‌های بین‌المللی، فاقد مرجع تجدیدنظرند و دادنامهٔ صادرشده از شعبهٔ رسیدگی‌کنندهٔ بدوی قطعی و لازم‌الاجراست. یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار (دادگاه اداری سابق جامعهٔ ذملل) با دادگاه حل اختلاف سازمان ملل متحد این است که آرای صادرشده از دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار غیرقابل تجدیدنظر است و به‌صورت قطعی صادر می‌شود (Szente & Lachmager, 2016: 63). در اتحادیه اروپا رسیدگی دومرحله‌ای به‌نحو دیگر است؛ شورای وزیران اتحادیه در تصمیم نوامبر ۲۰۰۴ دادگاه اداری اتحادیهٔ اروپا[۲] را تشکیل داد که از هفت قاضی که به مدت مدت سه سال انتخاب می‌شود، تشکیل شده و آرای آن در دادگاه بدوی اتحادیهٔ اروپا قابلیت اعتراض و تجدیدنظرخواهی دارد. همچنین تصمیم دادگاه بدوی اتحادیهٔ اروپا در مواردی از قابلیت اعتراض و درخواست تجدیدنظر در دیوان دادگستری اتحادیه برخوردار است (https://en.wikipedia.org/wiki/European_Union_Civil_Service_Tribunal).

صلاحیت دادگاه تجدیدنظر، تمامی تصمیمات قضایی صادرشده از دادگاه حل اختلاف ملل متحد است.[۳] از این‌رو همین که دادگاه حل اختلاف تصمیمی اتخاذ کند، با اعتراض محکوم‌علیه دادگاه تجدیدنظر صلاحیت الزامی برای رسیدگی به اعتراض دارد. دادگاه تجدیدنظر می‌تواند رأی دادگاه حل اختلاف را تأیید، نقض، تغییر یا برای رسیدگی اعاده کند (Clause 3 Article 2 Statute of the UNAT)، و هیچ محدودیتی از حیث اینکه چه تصمیمی بگیرد وجود ندارد. به‌غیر از موارد اعادهٔ دادرسی تمام آرای دادگاه تجدیدنظر قطعی و نهایی است و امکان فرجام‌خواهی وجود ندارد. علاوه بر این طرفین

---

۱. بند ۲ مادهٔ ۱۱ اساسنامهٔ دادگاه اداری ملل متحد مقرر می‌کرد: «احکام صادرشده از دادگاه قطعی و غیرقابل اعتراض هستند». البته در مواردی با استناد به مادهٔ ۱۲ برای نقض رأی دادگاه اداری قابلیت اعاده شدن دادرسی وجود داشت.

2. European Union Civil Service Tribunal

۳. که در بند ۱ مادهٔ ۲ اساسنامهٔ دادگاه تجدیدنظر بیان شده است: «دادگاه تجدیدنظر صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در مورد دادخواست تجدیدنظری را خواهد داشت، که علیه حکمی ارائه شده، که توسط دادگاه اختلاف سازمان ملل متحد صادر شده است و در آن ادعا شده است که دادگاه اختلاف: الف) از قلمرو اختیارات قانونی و صلاحیتی خود فراتر رفته است، ب) عدم اعمال صلاحیت قضایی واگذار شده، ج) اشتباه در امر موضوعی حقوقی، د) خطا در رویه، به‌گونه ای‌که بر تصمیم پرونده تأثیر بگذارد. صورت گرفته باشد یا، ه) اشتباه در موضوع یک واقعیت که منجر به تصمیم نامعقول آشکاری شده است».

ملزم به اجرای رأی دادگاه هستند (Article 10 Statute of the UNAT). دادگاه در رأی خود دو نوع تصمیم اتخاذ می‌کند:

الف) رأی بر لغو تصمیم یا لغو روند اجرای تصمیم که البته این موضوع قابلیت تبدیل به خسارت نقدی و الزام سازمان به پرداخت خسارت را دارد؛

ب) درأی بر پرداخت خسارت که نباید از دو سال حقوق شخص شاغل تجاوز کند، مگر در موارد استثنایی که در این مورد باید علت افزایش و میزان افزایش حقوق ذکر شود (Clause 5 Article 10 Statute of the UNDT).

پس از صدور رأی از دادگاه حل اختلاف، می‌توان آن را اجرا کرد، اما در صورت احراز هریک از موارد ذیل می‌توان از شعبهٔ تجدیدنظر خواست که مجدداً به موضوع رسیدگی کند:

الف) درصورتی‌که مرجع رسیدگی به اختلاف از حدود صلاحیت خود فراتر رفته باشد؛

ب) قصور در اعمال صلاحیت دادگاه؛

ج) برداشت (فهم) نادرست از مقررات مربوط؛

د) چنانچه دادگاه در خصوص فرایند رسیدگی دچار اشتباه فاحشی شود که در نتیجهٔ اتخاذشده مؤثر واقع شود؛

و) اشتباه شعبهٔ بدوی در درک موضوع به‌نحوی که رأی صادرشده غیرمنطقی باشد و با موضوع و خواسته خواهان منطبق نباشد (Article 2 Statute of the UNAT).

۵. حق داشتن وکیل در دادگستری داخلی اداری سازمان ملل متحد

کلیت حق دارا بودن وکیل در مادهٔ ۱۱ اعلامیهٔ جهانی ۱۹۴۸ حقوق بشر و به‌تفصیل در مادهٔ ۱۴ میثاق ۱۹۶۶ حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است، ولی این بحث به حقوق اداری و استخدامی کارکنان سازمان ملل متحد با توجه به مصونیت سازمان اختصاص دارد. مازاد بر این اسناد حقوق بشری جهانی به‌یقین در مقررات داخلی اجرایی سازمان ملل متحد هم مباحثی تدوین و ذکر شده است.

حق دارا بودن وکیل زمینهٔ اجرای یک دادرسی صحیح، دفاع عادلانه و ارائهٔ دفاعیات به‌نحو صحیح در راستای اجرایی شدن عدالت برای دو طرف دعوا را فراهم می‌کند. در خصوص حق به داشتن وکیل در اساسنامه‌های دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر بحثی نشده است، اما در قواعد مربوط به آیین دادرسی در هر دو دادگاه مقرراتی بیان شده است که هریک از طرفین می‌توانند شخصاً یا از طریق وکیل خصوصی[1] در دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر حضور یابند یا ادعای خود را پیگیری کنند Clause)

1. Private Counsel

1 Article 12 Rules of Procedure of the UNDT 2023 and Clause 1 Article 13 Rules of Procedure of the UNAT 2022) . البته این موضوع در زیر عنوان نمایندگی[1] ذکر شده است و مجمع عمومی در ادامه مقرر می‌کند که مدعی علاوه بر حق داشتن وکیل، می‌تواند از طریق یکی از کارکنان فعلی یا سابق و وکلای ملی یا حتی یک آژانس تخصصی با صلاحیت این موضوع، پرونده را پیگیری کند (Clause 1 Article 12 Rules of Procedure of the UNDT 2023 and Clause 1 Article 13 Rules of Procedure of the UNAT 2022).

سهولت در پیگیری و ارائهٔ اظهارات در دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر اصل اولیه است و حتی خواهان مجاز است در صورت ناتوانی یا عدم تمایل به حضور و پیگیری شخص دیگری را به‌عنوان نماینده معرفی کند تا امر ارائهٔ دفاعیات را انجام دهد. این مسئله نشان از اهمیت بالای پیگیری ادعاهای کارمندان دارد. به‌غیر از بحث وکالت و نمایندگی، شخص کارمند حق استفاده از مزایای مشاورهٔ حقوقی و دریافت اطلاعات دارد و اختیار استفاده از مشاوره‌ها و راهنمایی‌های دفتر مساعدت حقوقی[2] کارکنان را نیز دارد، که خواستهٔ خود را منطبق با مقررات مربوط تشخیص دهد (Cluse 1 Article 12 Rules of Procedure of the UNDT 2023 and Cluse 1 Article 13 Rules of Procedure of the UNAT 2022) ، البته معترض به تصمیم یا اقدام اداری سازمان، قبل از طرح دعوا و مراجعه به دادگاه حل اختلاف و از همه مهم‌تر قبل از مراجعه به آمبودزمان و میانجی‌گری به‌صورت جدی تشویق می‌شود که موضوع را با وکیل یا مشاور حقوقی در میان بگذارد و نظر وکیل یا مشاور حقوقی را در موضوع موردنظر کسب کند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۴۶).

تخصص و تجربه از ویژگی‌های وکیل مدافع است و اگر ویژگی‌های مذکور را نداشته باشد، نمی‌تواند دفاع مناسب و مؤثری از متهم[3] بنماید (نظری و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۷۱)، موضوعی که از تفاوت‌های نظام سابق و بعد از اصلاحات ۲۰۰۹ است، چراکه در نظام قدیم وکلای معمولاً دارای اطلاعات کافی در زمینهٔ تخصصی دادگاه اداری نبودند و هیأت بازطراحی[4] دفتری متشکل از حقوقدانان و صاحب‌نظران حرفه‌ای تشکیل داده بود که این دفتر و افراد آن صلاحیت و اطلاعات این امر را داشته باشند (Reinisch & Knabr, 2008: 452) . البته در مجموعهٔ قبل یا همان دادگاه اداری، نظام دسترسی به وکلا در عمل کار نمی‌کرد و تعداد قابل توجهی از کارکنان مدعی، اصلاً اطلاعی از وجود وکلا نداشتند یا نمی‌توانستند به وکلا دسترسی پیدا کنند و حق داشتن وکیل به‌سادگی از آنها تضییع می‌شد (Redesign Panel Previous, Para 23). به همین ترتیب کارکنان اعلام می‌کردند که در عمل امکانات آنها با سازمان

1. Representation
2. Office of Staff Legal Assistance (OSLA)
۳. در مقالهٔ حاضر منظور همانا کارمند معترض به تصمیم اداری است.
4. Redesign Panel on the United Nations System of Administration of Justice

برابر نیست، چراکه وکلا و کارشناسان سازمان، افرادی آموزش‌دیده و حرفه‌ای هستند و به‌علاوه به منابع اطلاعاتی عظیمی دسترسی دارند (Reinscb & knabr, 2008: 452).

چنانچه قاضی رسیدگی‌کننده سابقاً به‌عنوان وکیل یا مشاور حقوقی به طرفین دعوا در خصوص پروندهٔ حاضر هرگونه نظری را ارائه داده باشد، بر اساس مقررات مربوط، تعارض منافع[1] دارد و نمی‌تواند قضاوت کند و در صورت ارائهٔ ایراد توسط یکی از طرفین پرونده رئیس دادگاه در خصوص داشتن یا نداشتن تعارض منافع تصمیم قطعی و نهایی می‌گیرد[2] (Clause 2 Article 27 UNDT Rules of Procedure 2022). برای تضمین برابری در دادگاه‌ها دسترسی به وکلا و خدمات حقوقی آنها بسیار مهم است. در نظام پیش از اصلاحات ۲۰۰۹، کارکنان از نظر تئوری حق دسترسی به وکیل انتخابی خود را داشتند، اما در عمل دسترسی مؤثر و برابر نبود (Gulati, 2011: 508).

۶. توسعهٔ راهکارهای غیرحقوقی برای حل اختلافات اداری در سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد دارای یکی از پیچیده‌ترین و دقیق‌ترین نظام‌های اداری و داخلی در حقوق بین‌الملل است (حدادی و حکمتی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۸۸). حل‌وفصل اختلافات اداری به‌گونه‌ای طراحی شده است که خواهان باید قبل از اقامهٔ دعوا در دادگاه حل اختلاف از طریق آمبودزمان و میانجی‌گری موضوع اختلاف را پیگیری کند و این سازوکار، یکی از نوآوری‌های دادگستری داخلی و اداری سازمان ملل متحد بعد از سال ۲۰۰۹ است (Laker, 2016: 315). قبل از اصلاحات این دو شیوه وجود داشت، ولی طی کردن این مرحله مقدمه‌ای الزامی برای اقامهٔ دعوا در دادگاه نبود و همچنین نتیجهٔ آن برای طرفین الزامی نبود و از این‌رو تأثیری نداشت.

مجمع عمومی ملل متحد پس از شروع به کار دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر، با توسعهٔ اختیارات و تکالیف دفتر حل‌وفصل غیرحقوقی اختلاف‌های اداری که در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۲ تأسیس شده بود، دو روش آمبودزمان و میانجیگری را بر اساس قطعنامهٔ ۲۲۸/۶۲ سال ۲۰۰۸ میلادی بسط و توسعه داد. مجمع عمومی این دو سازوکار غیرحقوقی را در راستای جلوگیری از افزایش غیرضروری اختلاف‌های اداری، کاهش هزینه‌های سازمان و بالا بردن بازدهی کاری سازمان و با هدف ایجاد نظام غیررسمی یا غیرحقوقی اختلافات اداری توسعه داده است (بیگ‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۵۷). مجمع عمومی در قطعنامهٔ ۷۶/۲۴۲

---

1. Conflict of Interest

۲. اصطلاح «تعارض منافع» به هر عاملی اطلاق می‌شود که ممکن است به توانایی قاضی برای قضاوت مستقل و بی‌طرفانه در مورد پرونده‌ای که به او محول شده است لطمه بزند. ممکن است تعارض منافع برای هر دو دادگاه اختلاف و دادگاه تجدیدنظر به‌وجود بیاید(Clause 1 Article 27 UNDT Rules of Procedure 2022 and Article 22 UNAT Rules of Procedure 2009)

سال ۲۰۲۲ بر این مهم صحه گذاشت که حل‌وفصل غیررسمی اختلافات اداری عنصری حیاتی در نظام اجرای عدالت است و بر استفادهٔ حداکثری از مجموعهٔ سازوکار غیررسمی به‌منظور جلوگیری از دعاوی غیرضروری و بدون پیش‌داوری تأکید کرد.[1] رویهٔ قضایی دادگاه‌های بین‌المللی تأکید دارد که فراهم کردن سازوکار حل اختلاف اداری برای کارکنان سازمان، اختیاری برای سازمان‌های بین‌المللی نیست، بلکه یک الزام است، بنابراین راهکار ارائهٔ درخواست داخلی به نهادی غیرحقوقی پیش از اقامهٔ دعوا در دادگاه، عنصر اصلی نظام قضایی داخلی سازمان‌های بین‌المللی است (Report of the Joint Inspection Unit, JIU/REP/2023/2, p iii).

دفتر غیررسمی حل‌وفصل اختلافات اداری[2] امروز به منبع جهانی و غیرمتمرکز برای حل مناقشات بین کارکنان و سازمان مبدل شده است تا به درگیری‌های محل کار و شکایات کارکنان رسیدگی کند. این دفتر تاکنون به حدود ۲۵۰ هزار پرونده رسیدگی کرده که طبق نظرسنجی سال ۲۰۲۲ که از کارکنان ملل متحد اخذ شده است، ۸۰ درصد مصاحبه‌شوندگان از روش غیررسمی راضی بودند و ۶۷/۵ درصد آنها این روش را به سایر همکاران پیشنهاد می‌دادند. در مجموع روش غیررسمی استرس‌زایی بسیار کمتری برای معترضان به تصمیم یا اقدام اداری دارد (Report of the Secretary General, 2022: 2).

سازمان‌های بین‌المللی که دارای سازوکار حل‌وفصل اختلافات به طریق غیررسمی نیستند، به‌طور معمول سالانه دو برابر سازمان‌های بین‌المللی دیگری که روش غیررسمی و غیرحقوقی برای حل‌وفصل دارند، شکایت قضایی دارند.[3] در ادامه این دو روش (آمبودزمان و میانجی‌گری) به‌عنوان روش‌های غیرحقوقی برای حل‌وفصل اختلاف اداری در سازمان ملل متحد تشریح می‌شوند.

الف) آمبودزمان[4] اولین شیوهٔ غیرحقوقی حل‌وفصل اختلاف‌های اداری در سازمان ملل متحد است. آمبودزمان به‌عنوان یک فرد بی‌طرف به شخصی که معترض است گوش می‌دهد، کمک می‌کند دیدگاهی منطبق با مقررات به‌دست بیاورد و گزینه‌هایی را به‌عنوان نتیجه در اختیار وی قرار می‌دهد. اصطلاح آمبودزمان یا «رسیدگی‌کننده به شکایت» ریشه در آمبودزمان سوئدی دارد که در سال ۱۸۰۹ برای تحقیق دربارهٔ اتهام تلاش دولت برای اعمال نفوذ ناشایست بر کارمندان دولتی به وجود آمد (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹). آمبودزمان‌ها خدمات فراوانی ارائه می‌کنند. آنها می‌توانند به‌عنوان مشاور حقوقی، تسهیلگر، حقیقت‌یاب، رایزن و طراح نظام حل‌وفصل اختلافات فعالیت کنند (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹). البته امروزه آمبودزمان به‌تدریج به مفهوم داور بی‌طرف تغییر یافته است. از آنجا که هرگونه بحث با آمبودزمان

1. General Assembly, A/Res/76/542. 2022
2. Informal Office for the settlement of Administrative Disputes in UN.
3. Review of the organizational ombudsman services across the United Nations system JIU/REP/2015/6m, p IV
4. Ombudsman

سری و محرمانه است، بنابراین معترض یا مدعی می‌تواند در محیطی کاملاً امن هر بحثی را با نهاد آمبودزمان داشته باشد. فرد می‌تواند قبل، در حین رسیدگی به دعوای ناشی از اختلاف در دادگاه یا بعد از اتمام رسیدگی از راهنمایی‌های آمبودزمان استفاده کند. آمبودزمان برای حل‌وفصل اختلاف‌ها اصولی رفتاری دارد که ناظر بر کار آنان است. چهار اصل استقلال، بی‌طرفی[1]، محرمانه بودن[2] و غیررسمی بودن جزو اصول اولیه برای حل‌وفصل اختلاف است (UN.ORG/Ombodsman/Fesources/Fag See in 9 April 2024) و آمبودزمان‌ها در هر پرونده این اصول را رعایت می‌کنند.

ب) میانجی‌گری[3] دومین روش غیرحقوقی حل‌وفصل اختلاف‌های اداری در سازمان ملل متحد است. میانجی‌گری از دو میانجی و یک منشی تشکیل شده است. درصورتی‌که خواهان به حل اختلاف از طریق میانجی‌گری راضی باشد، باید نتیجهٔ میانجی‌گری ظرف ۹۰ روز به وی ابلاغ شود (Clause 1 Article 7 Rules of Procedure UNDT 2022). در طول رسیدگی در دادگاه حل اختلاف هریک از طرفین می‌توانند به رسیدگی به اختلاف از طریق میانجی‌گری رضایت دهند و دادگاه بدین‌وسیله رسیدگی را به حالت تعلیق درمی‌آورد یا اینکه دادگاه این پیشنهاد را به طرفین ارائه می‌دهد و در صورت جلب موافقت آنها پرونده را به میانجی‌گری ارسال می‌کند (Clause 1 and 2 Article 15 Rules of Procedure UNDT,2009). میانجی‌گری بیش از سه ماه طول نمی‌کشد، مگر با توافق طرفین پرونده و در این صورت مدت بیشتری را به میانجیگری اعطا می‌کنند (Clause 3 Article 10 from UNDT Statute Amended 2014).

یکی از مشکلات میانجی‌گری بحث تصمیم‌های نهایی اتخاذشده توسط میانجی‌گر است که درصورتی‌که متضمن پرداخت وجهی به محکوم‌له باشد، این تصمیم اجرا نمی‌شود تا اینکه یک تصمیم قضایی پشتوانهٔ آن باشد که این موضوع با یک مانع اساسی مواجه است و از طرفی سبب عدم رغبت به حل منازعهٔ اداری از طریق میانجی‌گری می‌شود (Review of the organizational ombudsman services across the United Nations system, Istvan Posta, Geneva 2015: IV). تمام اسناد و مدارک (که دربرگیرندهٔ شهود نیز در مرحلهٔ میانجی‌گری است) برای مرجع میانجی‌گری کاملاً محرمانه است و دادگاه حل اختلاف از محتوای این اسناد و اظهارات شهود مطلع نمی‌شود و طرفین هم محق به استناد یا ابراز این اظهارات و اسناد در دادگاه حل اختلاف نیستند (Clause 7 Article 15 from Rules of Procedure UNDT 2022). به‌عبارت دیگر میانجی‌گری کاملاً محرمانه است و هیچ‌یک از طرفین دعوا نمی‌توانند به استدلال‌های طرف دیگر در اظهارات خود در دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر استناد کنند (Clause 1 Article 15 Rules of Procedure UNDT, 2009).

---

1. Neutrality
2. Confidentiality
3. Mediation

۷. امکان صدور دستور موقت در دادگستری اداری سازمان ملل متحد

هر گاه یکی از طرفین اختلاف در دادگاه حل اختلاف یا دادگاه تجدیدنظر ملل متحد درخواست صدور دستور موقت به دادگاه ارائه دهد، دادگاه می‌تواند به‌علت اینکه با اجرای تصمیم یا عمل احتمالاً خسارتی جبران‌ناپذیر و یا به‌سختی جبران‌پذیر به وی وارد می‌شود، به‌صورت موقت و قبل از اتخاذ رأی اصلی تصمیمی موقت برای جلوگیری از این خسارت احتمالی صادر کند. لذا دستور موقت مبنی بر ناممکن شدن اجرای تصمیم، عدم اجرای موقت مصوبه، دستور تعلیق اجرای تصمیم اداری مورد اعتراض، دستور ادامهٔ فعالیت توسط متقاضی، دستور جلوگیری موقت از تصمیم اتخاذ شده و یا هر تصمیم شایستهٔ دیگری را صادر کند. دادگاه برای این موضوع با توجه به فوریت رسیدگی و قبل از ورود به ماهیت دعوا تصمیم مقتضی صادر می‌کند. دستور موقت اقدامی تبعی و یک تصمیم قضایی است که با هدف جلوگیری از آسیب‌ها و خسارات جبران‌ناپذیر اتخاذ می‌شود. در هر زمان در طول رسیدگی دادگاه ممکن است دستور موقت صادر کند که غیرقابل اعتراض است. این دستور در صورت تأیید نظر متقاضی تسهیلات موقتی را به وی اعطا می‌کند (Clause 1 Article 10 UNDT Statute Amended 2014 and Clause 4 Article 9 UNAT Statute).

در اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری موضوع دستور موقت بر اساس همین قاعده ولی با بیانی دیگر مقرر شده و بیان می‌دارد: «دیوان درصورتی‌که تشخیص دهد اوضاع و احوال خاصی ایجاب می‌کند می‌تواند اقداماتی را برای حفظ حقوق طرفین به‌صورت موقتی انجام دهد» (بند ۱ مادهٔ ۴۱ اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری). برخی از حقوقدانان معتقدند در شرایطی مانند خطر زیان جبران‌ناپذیر، شرط فوریت و باورپذیری که اخیراً در رویهٔ قضایی نهادینه شده است، صدور دستور موقت طبق اساسنامه الزامی است (محبی و بذار، ۱۳۹۹: ۲۵۸، ۲۶۶ و ۲۶۷). با استفاده از تعریف واحد در شاکلهٔ کلی مفهوم دستور موقت می‌توان دستور موقت در دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر ملل متحد به این صورت تعریف کرد که در دستور موقت پس از بررسی درخواست متقاضی آن مبنی بر اینکه ضرری حتمی یا قریب‌الوقوع وی را تهدید می‌کند و در صورت عدم اقدام، ضرر جبران‌ناپذیر و یا به‌سختی جبران‌پذیر به وی (حیثیت شخصی یا کاری، اموال و یا افراد انسانی دارای قرابت با وی) وارد می‌شود. از همین تعریف مختصر می‌توان شرایطی را که برای صدور دستور موقت لازم است توسط دادگاه احراز شود احصا کرد:

۱. صدور دستور موقت منوط به آن است که اجرای دستور و تصمیم اداری از نظر دادگاه متعاقب درخواست طرف متضرر، ضرری جبران‌ناپذیر به وی وارد آورد یا ضرری وارد کند که به‌سختی قابلیت جبران دارد. دستور موقت یک امر تبعی است و متقاضی باید قبل از درخواست دستور موقت به دادگاه دادخواست لازم را برای موضوع مشخص ارائه کرده باشد (Clause 1 Article 10 UNDT Stature

(Clause 4 Article 9 UNAT 2014). متن اساسنامهٔ دادگاه تجدیدنظر این موضوع را بیان می‌کند (Stature) و از فحوای متن اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری نیز همین موضوع استنتاج می‌شود (بند ۱ مادهٔ ۴۱ اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری). در حقوق داخلی کشورها نیز خواهان می‌تواند قبل از اقامهٔ دعوا از دادگاه درخواست صدور دستور موقت کند.[1]

در پروندهٔ ماجوک[2] تجدیدنظرخواه نتوانست ضرر قریب‌الوقوع را اثبات کند و این ضرر برای دادگاه محرز نشد. دادگاه اعلام کرد که «آقای مجوک نتوانسته هیچ آسیب جبران‌ناپذیری را ثابت کند که دادگاه از آن جلوگیری کند» (UNAT, No 554, 2024: 2). در نتیجه می‌توان گفت که ضرر باید کاملاً مشخص و معین باشد. در رأی صادرشده در نهایت قاضی دادگاه اعلام کرد که «هیچ دلیلی بر اساس بند ۳ مادهٔ ۱۱ مقررات داخلی دادگاه تجدیدنظر برای صدور دستور به تعویق انداختن پرونده تجدیدنظر که آماده تصمیم‌گیری در جلسه بهار سال آینده دادگاه تجدیدنظر است وجود ندارد، از این‌رو دادگاه درخواست دستور موقت را رد کرد» (UNAT, No 554, 2024: 2).

۲. دستور موقت مستلزم فوریت است و بدون آن دستوری از دادگاه صادر نمی‌شود. همین که معلوم شود خسارت‌های ادعایی به‌نحوی در مرحلهٔ ماهوی و با پول جبران‌شدنی است، دیگر شرط فوریت وجود ندارد (محبی و بذار، ۱۳۹۹: ۲۶۶). منظور از فوریت، امری است که تشخیص آن ماهوی است، هرچند مرجع قضایی هنوز وارد ماهیت دعوای اصلی نشده است، از این‌رو در خصوص تشخیص فوری بودن آنچه متقاضی درخواست دارد، ضروری است که فوریت این موضوع را به‌صورت ماهوی بررسی کند. از طرفی دیگر در هر موضوع درخواست‌شده نیاز به تدقیق در شرایط است و نمی‌توان در یک فهرست احصاشده مواردی را که فوری هستند احصا کرد. ممکن است موضوعی در یک پرونده تحت رسیدگی فوری تشخیص داده شود و در پروندهٔ دیگر فوری نباشد.

۳. دستور موقت هیچ تأثیری در اصل دعوا نخواهد داشت، چراکه دادگاه هنوز وارد ماهیت دعوا نشده است. در هر حال هدف از دستور موقت جلوگیری از خسارت جبران‌ناپذیر به متقاضی و حفظ حقوق متقاضی آن و همچنین حفظ وضع فعلی موضوع خواسته است. دستور موقت حسب مواد و مقررات دادگاه‌های اختلاف و تجدیدنظر دارای شرایطی است، اما در سه مورد انتصاب، ترفیع و خاتمه بر اساس دیدگاه مجمع عمومی قابلیت صدور ندارد. سازمان در هر صورت و زمانی باید به وظایف خود جامهٔ عمل بپوشاند و همواره فعالیت آن بدون وقفه ادامه پیدا کند. توقف فرایند انتصاب یا ترفیع یا خاتمه دادن به کار کارکنان ممکن است اجازهٔ ادامهٔ فعالیت را به سازمان و کارمندان ندهد.

---

۱. برای مثال در مادهٔ ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ امکان درخواست و صدور دستور موقت قبل از اقامهٔ دعوا وجود دارد.

2. Hydar Daniel Mlouk Majook

طبق اساسنامهٔ دادگاه حل اختلاف و دادگاه تجدیدنظر، دادگاه باید ضمن صدور دستور موقت مبلغی را که خوانده در صورت نخواستن یا نتوانستن اجرای دستور موقت و صدور تصمیم نهایی له متقاضی، باید پرداخت شود نیز معین کند (Clause 1 Article 10 UNDT Statute 2014 and Clause 4 Article 9. UNAT Statute). البته این بر عهدهٔ طرف مقابل خواهان دستور موقت است که تشخیص دهد آیا اجرای دستور قبلی مفید و همراستا با منافع سازمان است، یا عدم اجرای آن و پرداخت مبلغی برای تضمین که توسط دادگاه معین شده است، به این مفهوم که خوانده می‌تواند یکی از راه‌های اجرای دستور موقت یا پرداخت خسارت به خواهان را انتخاب کند. دستور موقت دادگاه تجدیدنظر باید منطبق و در راستای رأی صادرشده از دادگاه حل اختلاف باشد (Clause 1 Article 10 UNDT Stature 2014 and Clause 4 Article 9 UNAT Statute). در پروندهٔ آرمند[1] دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد همانند پروندهٔ Wamalala[2] دادگاه از اختیارات گسترده برخوردار است و نباید به‌سادگی در اعمال اختیارات قضایی که به دادگاه حل اختلاف داده شده است دخالت کند و اعتراض به دستور موقتی که در جریان رسیدگی در دادگاه حل اختلاف بررسی شده است، نباید مجدداً توسط دادگاه تجدیدنظر مورد رسیدگی قرار گیرد (UNAT, No 1145 , 2021: 6).

دستور موقت در مواردی صادر می‌شود که دادگاه ضرورت و فوریت را از متن درخواست احراز کند و ماهیت دستور، راهکاری است که برای رسیدن به تأمین موقت اتخاذ شده است. به‌عبارت دیگر مبنای دستور، وجود شرایط اضطراری و فوریت زمانی است که اقدامات خوانده به نقض گسترده حقوق بشر منجر شود، به‌ترتیبی که جبران‌ناپذیر باشد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۶). دادگاه حل اختلاف مکلف است پس از پنج روز از ابلاغ درخواست دستور موقت به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند (Clause 3 Article 13 Rules of Procedure UNDT, 2009). به‌نظر می‌رسد برای مقام قضایی (حقوقی و اداری یا داخلی و بین‌المللی) دامنهٔ دستور موقت دارای محدودیت نیست و هر چیزی که مقام قضایی تشخیص دهد که امکان جبران آن وجود ندارد یا به‌سختی قابلیت جبران دارد، جزو موارد مندرج در دستور موقت محسوب می‌شود.

در دعوای اخیر آفریقای جنوبی به طرفیت اسرائیل، دیوان بین‌المللی دادگستری در دستور موقت اعلام کرد دولت اسرائیل باید به‌سرعت تضمین کند که ارتش آن اعمالی را که در بند ۱ ذکر شده است، مرتکب نشود. این اعمال شامل کشتن اعضای گروه، ایجاد آسیب جدی جسمی یا روحی به اعضای گروه، قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن منتهی شود و اعمال تدابیری برای جلوگیری از توالد و تناسل در داخل گروه است (ICJ, 2024: 24 & 25).

---

1. Jecques Armend
2. Wamalala v. Secretary-General of the United Nations, Judgment No. 2013-UNAT-300. Para 17.

۴. دادگاه تجدیدنظر به‌عنوان یک قاعده کلی اعلام کرده که فقط درخواست تجدیدنظر از احکام مربوط به موضوعات ماهوی قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر را می‌پذیرد و درخواست تجدیدنظر از دستور یا حکم صادرشده از دادگاه حل اختلاف راجع به مسائل شکلی غیرقابل پذیرش است. تجدیدنظر از تصمیمات اتخاذشده توسط دادگاه حل اختلاف در شرایطی استثنایی قابل پذیرش است و آن هنگامی است که دادگاه حل اختلاف از صلاحیت خود فراتر رفته باشد (UNAT, 2012, No 319: 2 & 3)، چراکه دادگاه تجدیدنظر همواره تأکید دارد که دستور موقت صادرشده از دادگاه حل اختلاف قابلیت اعتراض و تجدیدنظر را ندارد، مگر اینکه دادگاه حل اختلاف از حدود صلاحیتی خود فراتر رفته باشد (UNAT, 2011, No 234) . دادگاه حل اختلاف می‌تواند در هر زمان بنا به درخواست یکی از طرفین یا به ابتکار خود هر دستوری اتخاذ کند که به نظر قاضی برای رسیدگی عادلانه و سریع به پرونده و اجرای عدالت مناسب است (Clause 1 Article 19 Rules of Procedure UNDT, Amended 2022). منظور از هر دستور فقط دستور موقت نیست، بلکه تمام تصمیماتی است که از دادگاه صادر شده است، ولی به آنها رأی گفته نمی‌شود.

۸. نتیجه

تحولات، اساس و مبنای ایجادی هر ابداعی است و چنانچه مسیر یکسان قبلی بدون نیاز به رفع مشکلات و متعاقب آن نیاز به ابداعات باشد، همان وضعیت قبل ادامه پیدا می‌کند. ساختار اداری ملل متحد که پیچیده‌ترین ساختار جهانی را داراست، همواره با ادعاهای کارکنان روبه‌رو می‌شود و رفع نیازهای بین‌المللی وابستگی شدید به رفع این اختلافات دارد. سازمان ملل متحد با ابداع اشکال متفاوت رفع اختلافات اداری توانسته است حل اختلافات اداری سازمان را به بیشترین حد ممکن برساند. با وجود این همواره اختلافات به‌روزرسانی و پیچیده می‌شود، امری که سبب می‌شود حل اختلافی که سابقاً یک مسیر را تا حل شدن سپری کرده است، دیگر نتواند با همان روش و مسیر حل شود.

از سال ۲۰۰۹ شیوهٔ شفاهی و دفاع حضوری طرفین از حقوق خود متداول شد و روش کتبی و غیرحضوری که پیش از این وجود داشت، یک استثنا و به تشخیص قضات دادگاه واگذار شد. امروزه تشکیل نشدن جلسهٔ رسیدگی حضوری نقض مقررات شناخته می‌شود و در هر دو دادگاه حل اختلاف و تجدیدنظر، جلسات فقط در مواردی که با نظر موافق همهٔ قضات اتخاذ می‌شود غیرحضوری است. از طرف دیگر وجود اساسنامهٔ دادگاه تجدیدنظر نوآوری جدیدی است که بر اساس آن تمام احکام و تصمیمات دادگاه حل اختلاف قابلیت تجدیدنظرخواهی دارند. با مقرر کردن دادرسی فوری یا دستور موقت، راهکارهای غیرحقوقی، داشتن وکیل برای معترضان و مواردی دیگر نوآوری‌های دادگستری

اداری ملل متحد تکمیل شد، ولی این نمی‌تواند انتهای راه باشد و تا زمانی‌که سازمان ملل متحد فعالیت خود را از طریق کارمندان به سرانجام می‌رساند، اختلافات اداری پدید می‌آید و باید ابتکارات و راه‌حل‌های جدید برای حل اختلاف نیز به‌وجود بیاید.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۴۰۲). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*. چ نهم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۲. بیتام، دیوید (۱۳۸۳). *دموکراسی و حقوق بشر*. ترجمهٔ محمدتقی دلفروز، تهران: طرح نو.

۳. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۷). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی (شخصیت، مسئولیت و مصونیت)*. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۷). *ترجمهٔ آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری*. ج ۱، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

۵. طهرانی، محمدعلی (۱۳۷۳). *فرهنگ کاتوزیان*. تهران: نشر یلدا.

۶. فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*. تهران: شهر دانش.

۷. معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ فارسی*. ج ، تهران: امیرکبیر.

ب) مقالات

۸. ابهری، حمید؛ فلاح خاریکی، مهدی (۱۳۹۷). مطالعهٔ تطبیقی مفهوم و کارکرد «دوست دادگاه» در حقوق ایران و کامن‌لا، تهران: *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۸۳، ۲۸۶-۳۰۷. doi: 10.22034/jlr.2018.151468.1250

۹. حدادی، مهدی؛ حکمتی مقدم، سید محسن (۱۳۹۶). تحول در نظام قضایی داخلی ملل متحد. *فصلنامهٔ پژوهش حقوق عمومی*، (۵۵)، ۱۶۷-۱۹۳. doi: 10.22054/qjpl.2017.7787

۱۰. کریمی، فرهاد، نیاورانی، صابر؛ زمانی، قاسم (۱۴۰۰). نقش دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در تعیین حقوق بشر، تهران: *فصلنامهٔ مطالعات راهبردی*، (۹۴)، ۲۳۳-۲۵۱.

۱۱. عبدالهی، محسن (۱۳۷۹). مصونیت کارشناسان قضایی ملل متحد با تأکید و معرفی قضایای مازیلو (۱۹۸۹) و کمارآسامی (۱۹۹۹). *مجلهٔ حقوق دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی*، (۵)، ۱۳۷-۱۷۵.

۱۲. مبارکی، مصطفی؛ عمادزاده محمدکاظم؛ مسعود، غلامحسین (۱۳۹۸). شیوه‌های غیرترافعی اختلاف اداری در نظام‌های حقوقی معاصر، تهران: *فصلنامهٔ مطالعات حقوق عمومی*، (۴۹)، ۳۹-۵۶. doi: 10.22059/jplsq.2018.235770.1528

۱۳. محبی، محسن؛ بذّار، وحید (۱۳۹۹). ارزیابی ایرادهای آمریکا در مورد دستور موقت در قضیهٔ نقض‌های ادعایی عهدنامهٔ مودت. *مطالعات حقوق عمومی*، (۵۰-۱)، ۲۵۳-۲۷۴. doi: 10.22059/jplsq.2019.268988.1850

۱۴. نظری، میلاد؛ رجبی، اکبر؛ گل‌خندان، فریبا (۱۴۰۰). حق دسترسی به وکیل در فقه، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. *فصلنامهٔ مطالعات فقه اقتصادی*، (۳) شمارهٔ ویژه، ۵۶۱-۵۷۶. doi: 10.22034/ejs.2022.350688.1262

۱۵. همتی، محسن؛ جعفری، محمدجواد؛ نصرتی، یزدان (۱۴۰۱). الزامات کشف حقیقت در دادرسی‌های جامعهٔ اداری. *ماهنامهٔ جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۸، ۱۳۰۱-۱۳۲۰. doi:10.30510/psi.2022.328496.3070

۱۶. ولی‌زاده، امین؛ نجومی، صابر (۱۳۹۴). قبض و بسط حق تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه‌های داخلی سازمان‌های بین‌المللی در پرتو مصونیت سازمان‌های بین‌المللی. تهران: *مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل*، چ اول، تهران: گنج دانش.

ج) پایان‌نامه

۱۷. کیانی، حبیب‌اله (۱۳۹۸). حمایت شغلی از کارکنان سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل، رسالهٔ دکتری حقوق بین‌الملل (استاد راهنما: دکتر سیدقاسم زمانی). تهران: دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

۱۸. قاسمی، مهدی (۱۳۹۱). حل‌وفصل اختلافات شغلی در سازمان‌های بین‌المللی. (استاد راهنما: دکتر منصور جباری قره‌باغ). تهران: دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

۲. انگلیسی

A) Book

1. August Reinisch& C Knabr (2008). *From the UN Administrative Tribunal to UN Appeal Tribunal*, Max Planck Yearbook of United Narion Law, Volume 12.
2. Bedjaoui, M. (1991). *International Law: Achievements and Prospects*. first published, Paris & Netherland, UNESCO & Nijhoff[Martin Nijhoff Publishe.
3. C. F. Amerasinghe (1994). *The Law of the International Civil Service*. Clarendon Press, Vol. I, Second Edition.
4. C. F. Amerasinghe (2009). *Principles of the Institutional Law of International Organizations*, Cambridge University Press Online publication date.
5. Gallo, D. (2014). *The Administrative Tribunal of the International Labor Organization (ILOAT)*. the International Court of Justice (ICJ) and the Right of Access to Justice for the Staff of International Organizations: The Need for a Reform in light of the ICJ Advisory Opinion of 1 February 2012, Luiss University Press.
6. L. B. Curzon (2002). *Dictionary of Law*. Longman, England.
7. Rishi Gulati (2011). *The Internal Dispute Resolution Regime of the United Nation tesis phd Degree* .Max Planck Yearbook of United Nations Law Online,No 15.
8. Zoltan Szente And Konrad Lachmager (2016). *The Principle of Effective Legal Protection in Administrative Law*, Tailor and Francis Group, London, 1st.

B) Article

9. Louise Otis and Erie H. Reiter (2011). The Reform of The United Nations Administration of Justice System: The United Nations Appeals Tribunal After One year, *BRILL*.

10. Lando, M. (2023). Advisory opinions of the International Court of Justice in respect of disputes. Colum. J. Transnat'l L., 61, 67.
11. Rishi Gulati (*2011).* The Internal Dispute Resolution Regime of the United Nations. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, (15).
A. Joanna Gomula (1991). The International Court of Justice and Administrative Tribunals of International Organizations. *Michigan Journal of International Law*, 13(1).
12. Rishi Gulati & Philippa Webb (2023). The Legal Accountability of Transnational Instuttion: Past, Present and Future. *king Law Journal*, 34(3).
13. Laker, T. (2016, July). The United Nations and the (Internal) Administration of Justice. In The Rule of Law and Its Application to the United Nations (311-330). Nomos Verlagsgesellschaft mbH & Co. KG.

C) Document

14. Activities of the Office United Nations Ombudsman and Mediation Services, Report of the Secretary General.
15. Report of the Joint Inspection Unit /2023/2
16. Rules of Procedure of the UNAT 2022
17. Rules of Procedure UNDT 2022
18. Statute of the The United Nations Appeals Tribunal
19. Statute of the United Nations Dispute Tribunal
20. The Convention on the Privileges and Immunities of the United Nations

D) Judgment

21. Hydar Daniel Mlouk Majook V. Secretary-General of the UN ,Oder UNAT, 2024
22. Jecques Armend v. Secretary General, No 1145 UNAT , 2021
23. Judgment No.2867 of the Administrative Tribunal of the International Labor Organization upon a Complaint Filed against the International Fund for Agricultural Development, 1 February 2012
24. Khambatta V. UN, No2012-319, 2012, UNAT, P 2 and 3
25. Villamoran V. UN, No 2011-234, UNAT, 2011

G) cite

26. https://untreaty.un.org/unat/statute.htm
27. https://en.wikipedia.org/wiki/European_Union_Civil_Service_Tribunal
28. UN.ORG/Ombodsman/Fesources/Fag